

جنایت سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالرمو و آثار آن

دکتر صادق سلیمی*

چکیده

جنایات سازمان یافته فراملی از مهمترین معضلات قرن بیست و یکم محسوب می‌شوند. این جنایات توسط گروه‌های جنایی که دارای سه عضو یا بیشتر، سلسله مراتب، وحدت فرماندهی، نظم شدید و اهداف مالی و مادی هستند ارتکاب می‌یابند. ارتکاب این جنایات آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیانباری هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی به بار می‌آورند و حتی موجودیت دولتها و ملتها را تهدید می‌کنند. جامعه بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم فکر تدوین یک سند بین‌المللی لازم‌الاجرا به منظور ایجاد هماهنگی و همکاری برای مبارزه با این جنایات میان دولتها را مطرح نمود. نهایتاً طرح کنوانسیون تهیه و در دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو (ایتالیا) برای امضای دولتها مفتوح گردید و به امضای ۱۴۷ دولت از جمله ایران رسیده است. در این نوشتار سعی بر آن است، ابتدا مفهوم جنایت سازمان یافته فراملی بیان گردد؛ آنگاه آثار مختلف این جنایات که ضرورت مبارزه با آنها را نمایان می‌کنند، بررسی شوند.

*. عضو هیأت علمی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

جنايات سازمان يافته فراملي در نيمه دوم قرن بيستم در مقطعي كه جامعه بين‌المللي در گير اختلافات ابرقدرتها و جنگ سرد بود، همزمان با پيشرفت فن آوري و نتيجه گسترش مبادلات بازرگاني توسعه يافتند. جنايات سازمان يافته به آن دسته از اعمال مجرمانه‌اي اطلاق مي‌شود كه توسط گروههاي جنائتكار با اعمال نفوذ در ارگان حكومت با توسل به ارتشاء يا خشونت و قتل، معمولاً با سازماندهي خاص و به قصد تحصيل منافع مالي يا مادي ارتكاب مي‌يابند. اين گروههاي جنائتكار بعضاً داراي تشكيلات و بودجه بسيار عظيمي هستند كه حتي از بودجه سالانه خيلي از دولتها بيشتر است. به موجب اسناد بين‌المللي (مانند كنوانسيون پالمو)، گروههاي جنائي سازمان يافته حداقل بايد داراي سه عضو باشند؛ ليكن عملاً تعداد آنها خيلي بيشتر از اين رقم است. اين گروهها معمولاً داراي سلسله مراتب، يك رئيس، تقسيم كار و نظم شديد همراه با ضمانت اجراهاي داخلي شديد عليه اعضا متخلف خود هستند. براي انجام مأموريت و نيل به هدف خود به هر وسيله‌اي متوسل مي‌شوند؛ ابتدا سعي مي‌كنند از طريق افساد موانع را برطرف كنند و معمولاً در ارگان مختلف حكومتي و نهادهاي عمومي نفوذ مي‌كنند. در صورت عدم توفيق، توسل به خشونت و حذف فزيكي مأمورين و قضات سرسخت امري متداول محسوب مي‌شود. هدف غائي اين گروهها تحصيل نفع مالي و مادي است كه مهمترين وجه تمايز اين نوع فعاليتها از فعاليتهاي تروريستي است.

گروههاي جنائتكار امروزه دامنه فعاليت خود را گسترش داده و براي تحصيل منافع هرچه بيشتر در سرزمين كشورهاي مختلف فعاليت مي‌كنند و از خلاهاي موجود در سطح بين‌المللي بهره مي‌برند. جامعه بين‌المللي متوجه اين امر و ضرورت همكاري دولتها براي مبارزه با اين

جنایات شده است. در این زمینه «کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان یافته فراملی» تهیه و تدوین گردید و در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ طی قطعنامه ۵۵/۲۵^۱ در اجلاس پنجاه و پنجم به تصویب مجمع عمومی رسید و در دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو ۱۲۳ دولت از جمله ایران و تا اواسط مارس سال ۲۰۰۳ بیش از ۱۴۷ دولت اقدام به امضای آن نمودند و ۳۲ دولت نیز آن را تصویب کرده‌اند،^۲ لذا تا لازم الاجرا شدن کنوانسیون که طبق ماده ۳۸ کنوانسیون به چهل امضاء نیاز دارد، فاصله زیادی وجود ندارد.^۳

این جنایات حاکمیت دولتها را زیر سؤال برده و آثار زیانباری بر امنیت سیاسی، اقتصادی و همچنین فرهنگی - انسانی بر جای می‌گذارند. شناخت این آثار و نتایج می‌تواند هم در داخل کشور ضرورت و نحوه مبارزه با این جنایات را روشن کند و هم در تصمیم‌گیری مسئولین جمهوری اسلامی ایران در خصوص تصویب یا عدم تصویب کنوانسیون فوق‌الذکر کمک کند.

مصادیق این نوع جنایات متعدد هستند که فقط به ذکر نام مهمترین موارد بسنده می‌کنیم: تطهیر درآمدهای نامشروع، قاچاق مواد مخدر، سرقت آثار و اشیاء فرهنگی، هنری و تاریخی و قاچاق آن، سرقت مالکیت معنوی افراد، اعمال تجاری ممنوع سودآور داخلی و بین‌المللی، قمار و تأسیس قمارخانه‌های غیرقانونی، قاچاق غیر مجاز اسلحه، قاچاق مواد رادیواکتیو و هسته‌ای، تجارت انسان (کودکان و بزرگسالان) و نیروی کار، تجارت زنان و کودکان برای فحشا، قاچاق مهاجران، خرید و فروش اعضای بدن انسان، خرید و فروش حیوانات نایاب، داروها و مواد سمی نایاب، اخاذی از

1. UN. DOC. A/RES/55/25 (2000).

2. www.undcp.org/crime-cicp-signatures.html.

۳. لایحه تصویب کنوانسیون توسط جمهوری اسلامی ایران در هیأت دولت تحت رسیدگی است (شماره ثبت دبیرخانه مرکزی ریاست جمهوری: ۵۰۴۸۵-۸۱/۱۰/۱۰).

افراد و شرکتهای و حتی در برخی موارد از دولتها، کلاهبرداری از افراد و شرکتهای و کلاهبرداری از بیمه، سرقت در اشکال مختلف آن همانند سرقت وسایل نقلیه و خرید و فروش وسایل مسروقه، قتلهای قراردادی و اعمال خشونت، هواپیماربایی، دزدی دریایی، جرایم علیه محیط زیست، رشوه دادن به مقامات قضایی، سیاسی و مأمورین نظامی، انتظامی و کارکنان و مستخدمان دولتی از طرق مختلف، جعل و ضرب سکه تقلبی، چاپ اسکناس تقلبی و قاچاق ارز^۴ و ...

بدیهی است این سیاهه جنبه حصری ندارد و نمی‌تواند جامع تلقی شود. در متن کنوانسیون پالرمو ضرورت جرم انگاری این اعمال به نام مورد تصریح واقع شده‌اند: ۱- ارتکاب جنایت شدید (منظور عمل مجرمانه‌ای است که به موجب حقوق داخلی مجازاتی بیش از چهار سال حبس داشته باشد و توسط گروه جنایی سازمان‌یافته ارتکاب یابد)؛ ۲- مشارکت در یک گروه جنایی سازمان‌یافته؛ ۳- تطهیر منافع حاصل از ارتکاب جنایت (پولشویی)؛ ۴- فساد مالی (ارتشاء)؛ ۵- ممانعت (ایجاد مانع) در روند و اجرای عدالت.

به علاوه، سه پروتکل الحاقی نیز که تصویب آنها برای متعاهدین کنوانسیون اختیاری است، هر کدام یک عنوان کیفری/مجرمانه را تعریف و شرایط و تدابیر مبارزه با آن را بیان کرده‌اند. این سه پروتکل عبارتند از ۱- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص بویژه زنان و کودکان؛ ۲- پروتکل علیه قاچاق مهاجران از طریق زمینی، دریایی و

۴. علیرضا شمس‌اژی، جرم سازمان‌یافته و بررسی مصادیق آن در حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹-۱۳۷۸، صص ۳۳-۳۲.

هوایی؛ و ۳- پروتکل علیه تولید و قاچاق غیرقانونی سلاحهای گرم، قطعات و اجزاء آنها و مهمات.^۵

به هر حال عدم ذکر سایر مصادیق در این اسناد به منزله جرم نبودن و حتی کم اهمیت بودن آنها نیست، بلکه در مورد برخی (مثل قاچاق مواد مخدر) قبلاً اسنادی تنظیم شده و در خصوص برخی موارد نیز حصول اتفاق نظر بین دولتها مشکل است. برای روشن نمودن مفهوم جنایت سازمان یافته و آثار ناشی از آن، مطالب این نوشتار را در دو گفتار ادامه می دهیم.

گفتار نخست

مفهوم جنایت سازمان یافته فراملی

در ابتدا تعاریف مختلفی که توسط حقوقدانان در این خصوص ارائه گردیده، نقل و بررسی می شوند، آنگاه به تشریح تعریف مندرج در کنوانسیون پرداخته خواهد شد. شایان ذکر است که اغلب این تعاریف ناظر به «جنایت سازمان یافته» بدون توجه به وصف «فراملی» می باشند.

۱- «جرم سازمان یافته جرمی است که شاخص تدارک و ارتکاب آن، تشکیلاتی روشن است که اغلب برای مباشران آن امکانات معاش فراهم می کند».^۶ این تعریف از جهات مختلف ناقص به نظر می رسد. انگیزه تحصیل منفعت به طور نامحدود، در این تعریف نادیده گرفته شده است و این گونه به ذهن تداعی می شود که مرتکبان صرفاً برای تأمین معاش خود

۵. در خصوص تفصیل این مصادیق، رک. صادق سلیمی، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۰۲ - ۶۹.

۶. رک. ژاک بوریگان، بزهکاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۲-۲۱، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷، ص ۳۱۶.

مبادرت به ارتکاب جرم می‌کنند. همچنین، منافع حاصله فقط عاید مباشران (یعنی انجام دهندگان رکن مادی جرم) نمی‌شود، بلکه بیشتر منافع عاید هدایت کنندگان و به اصطلاح «بقه سفید»ها می‌شود که غالباً مرتکبان حتی شناخت کافی از آنها ندارند.

۲- «جنایت سازمان یافته پدیده‌ای است غیرایدئولوژیک مرکب از تعدادی افراد با روابط متقابل که بر مبنای سلسله مراتب شکل گرفته است و حداقل سه رده متمایز در آن وجود دارند که هدف آن جلب منفعت و قدرت با اشتغال به فعالیت‌های مشروع و نامشروع می‌باشد. مسؤولیتهای کلیدی ممکن است بر حسب روابط خویشاوندی یا دوستی و یا صرفاً بر اساس مهارت تقسیم شود. مسؤولیتهای در هیچ برهه زمانی خاصی قائم به دارندگان آنها نیست. اعضاء آن را دائمی می‌دانند و سعی بر حفظ یکپارچگی و فعال بودن آن در جهت نیل به اهدافش دارند. تمایل به استفاده از خشونت و/یا رشوه برای رسیدن به اهداف یا حفظ انسجام زیاد است. عضوگیری محدود است؛ هرچند از افراد غیرعضو ممکن است به طور موردی استفاده شود. آنان قواعد صریح مکتوب یا شفاهی دارند که با ضمانت اجراهای شدیدی، از جمله مرگ، اعمال می‌شوند».^۷ در این تعریف که نسبتاً جامع است، بیشتر به توصیف «گروه جنایتکار سازمان یافته» و نحوه اداره آن پرداخته شده است تا به توصیف «جنایت سازمان یافته».

۳- «جنایت سازمان یافته زمانی رخ می‌دهد که گروه‌هایی که عمدتاً بر روی تحصیل منافع غیرقانونی متمرکز شده‌اند به طور سازماندهی شده مرتکب جنایاتی می‌شوند که این جنایات، بویژه با توسل به خشونت فیزیکی یا برداشتن موانع با افساد مأمورین، متقابلاً بر جامعه اثر می‌گذارند

7. Howard Abadinsky, *Organized Crime*, 4th ed., 1994, Chicago, p. 6.

و برای فعالیتهای جنایتکاران چتر امنیتی ایجاد می‌کنند»^۸. برخلاف تعریف قبلی، در اینجا به دخالت گروههای جنایی اشاره شده، لیکن به ساختار داخلی آنها توجهی نشده است.

۴- «جنایت سازمان یافته به هر مجموعه ساختاری هماهنگ و سازمان یافته‌ای از اشخاص اطلاق می‌شود که معمولاً به اهداف فرعی و وسایل غیرقانونی برای جمع‌آوری سرمایه اتکاء می‌کند»^۹. اختصار و ایجاز این تعریف موجب شده است که حتی به وجود و دخالت یک گروه جنایی در ارتکاب جنایت سازمان یافته نیز اشاره‌ای نشود.

۵- «جنایت سازمان یافته ارتکاب برنامه ریزی شده جنایاتی قابل توجه برای تحصیل منفعت یا قدرت است؛ در صورتی که بیش از دو شریک در مدت زمانی طولانی یا نامحدود نقشی از طریق تجارت یا ساختارهای شبه تجارتي یا استفاده از خشونت یا دیگر وسایل تهدید یا از طریق نفوذ در سیاست یا رسانه‌ها یا اداره امور عمومی، سیستم قضایی یا اقتصاد ایفاء نموده و با یکدیگر همکاری کنند»^{۱۰}. ارتکاب جرم برای تحصیل قدرت از شمول جنایت سازمان یافته خارج است و اصولاً در چارچوب تروریسم بحث و بررسی می‌شود، لیکن در این تعریف، این دو از هم متمایز نگردیده‌اند.

۶- «تعاریف حقوقی و بین‌المللی «جنایت سازمان یافته» همگی به یک نکته گرایش دارند؛ به طوری که این عنوان یک شیوه مدیریت عملیات جنایی را بیان می‌کند و به چگونگی و نحوه ارتکاب جرم اشاره

8. Cyrille Fijnaut/ Frank Bovenkerk/ Gerben Bruinsma/ Henk Van de Bunt, **Organized Crime in Netherlands**, The Hague: Kluwer Law International, 1998, pp. 26-27.

9. Raymond J. Michalowski, **Order, Law, and Crime, An Introduction to Criminology**, New York, 1985, p. 368.

10. Klaus Von Lampe, **Recent German Publications on Organized Crime, Criminal Organizations**, Vol. 12, No. 1+2, 1998, p. 38.

دارد. ویژگیهای بارز آن عبارتند از خشونت، فساد مالی، فعالیت جنایی مداوم و برتری گروه بر تک تک اعضا. گروههای سازمان یافته با شاخص تداوم آنها بدون توجه به مرگ و میر اعضایشان شناخته می‌شوند. بقای آنها وابسته به مشارکت دائمی هیچ یک از اعضا نمی‌باشد.^{۱۱} در این تعریف بیشتر به ویژگیهای جنایت سازمان یافته تأکید شده است.

۷- «جنایت سازمان یافته فعالیت غیرقانونی با انگیزه اقتصادی است که توسط گروه، انجمن یا ارگانی مرکب از دو یا چند شخص که خواه به طور رسمی یا غیررسمی سازمان یافته باشند، ارتکاب یابد؛ جایی که اثر منفی فعالیت مذکور از بعد اقتصادی، اجتماعی، ایجاد خشونت، بهداشتی و سلامت عمومی و/یا زیست محیطی حائز اهمیت تلقی شود».^{۱۲} در این تعریف صرفاً به انگیزه اقتصادی و مالی توجه شده است، در حالی که در سایر انگیزه‌های مادی از قبیل لذت جنسی نیز می‌تواند، مبنای گرایش به این جنایت باشد.

۸- «در مقابل بزهکاری مزمن یا به عادت که مرتکبان آن معمولاً ضریب هوشی پایینی دارند و به هنگام ارتکاب جرم از قدرت انتزاعی و توانایی محاسبه برخوردار نیستند، بزهکاری سازمان یافته را قرار می‌دهند. این جرایم (بزهکاری) دارای ویژگی‌های خاصی نسبت به سایر بزه‌ها می‌باشند، زیرا در این نوع جرایم، عده‌ای از افراد که به نوعی با هم مرتبط هستند، سعی در نقض قانون دارند و کارهای یکدیگر را بدون تأثیرگذاری، سازمان می‌دهند و از بی‌سازمانی به انسجام و سازمان یافتگی می‌رسند و با این تشکل و سازمان یافتگی، توانایی مقابله با پلیس، فشارهای خارجی دیگر

11. Sabrina Adamoli/ Andrea Di Nicola/ Ernesto U. Savona/ Paola Zoffi, *Organized Crime Around the World*, Helsinki, 1998, p. 9.

12. Canada: Solicitor General, *Organized Crime Impact Study*, Highlights, 1998, p. 5.

مانند عوامل افشاء‌کننده و نیز مقابله با فشارهای درونی را دارا می‌باشند».^{۱۳} در این تعریف به مقایسه بین جنایت سازمان‌یافته و جرایم عادی پرداخته شده و برخی ویژگی‌های جرم سازمان‌یافته تبیین شده است. تقریباً در تمام تعاریف به مشارکت بیش از دو نفر و انگیزه و محرک آنها (تحصیل منفعت) و وجود گروه یا یک تشکل اشاره شده است. در برخی از تعاریف به تحصیل قدرت نیز اشاره شده است. در حالی که امروزه با متمایز گردیدن جنایت سازمان‌یافته از تروریسم، در جنایت سازمان‌یافته انگیزه اصلی همانا منفعت مالی و مادی می‌باشد در حالی که در تروریسم انگیزه سیاسی است. حال باید دید کنوانسیون پالمو چه تعریفی در این زمینه ارائه داده است.

کنوانسیون پالمو به تعریف «جنایت سازمان‌یافته فراملی» پرداخته است؛ لیکن ماده ۵ کنوانسیون به تعریفی تحت عنوان «جرم انگاری مشارکت در یک گروه جنایی سازمان‌یافته» اختصاص یافته که علت این امر را باید در ارتباط تام «جنایت سازمان‌یافته فراملی» و «گروه جنایی سازمان‌یافته» جستجو کرد که این دو لازم و ملزوم هم می‌باشند. ماده ۵ مقرر می‌دارد:

۱- هر دولت متعاهدی، اقدامات قانونگذاری و سایر اقداماتی را که ضروری باشند اتخاذ خواهد نمود تا اعمال زیر را، در صورتی که بطور عمدی ارتکاب یابند، جرم جنایی تلقی کند:

الف) هر یک از جرایم جنایی زیر یا هر دو جرم صرفنظر از این که شروع به جرم باشد یا جرم تام تلقی شود

۱۳. دکتر علی‌حسین نجفی ابرند آبادی، تقریرات درس جرم‌شناسی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، در مباحثی در علوم جنایی، تهران، دی ۱۳۸۱، ص ۶۳۱.

(i) توافق با یک یا چند شخص دیگر برای ارتکاب یک جنایت شدید در صورتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به منظور تحصیل یک نفع مالی یا نفع مادی دیگری باشد و در صورتی که حقوق داخلی چنین اقتضا کند متضمن عملی باشد که یکی از شرکاء در انجام توافق به عهده گرفته باشد یا توسط یک گروه جنایی سازمان یافته ارتکاب یابد.

(ii) رفتار کسی که با علم بر هدف و فعالیت جنایتکارانه عمومی یک گروه جنایی سازمان یافته یا با علم بر قصد ارتکاب جنایات مورد بحث در فعالیت‌های زیر شرکت فعال کند:

a. فعالیت‌های جنایتکارانه گروه جنایی سازمان یافته

b. فعالیت‌های دیگر گروه جنایی سازمان یافته با علم بر این که مشارکت وی در نیل به هدف جنایتکارانه موصوف مؤثر است

ب) سازماندهی، هدایت، کمک، مساعدت، تسهیل یا مشاوره برای ارتکاب جنایت شدیدی که توسط یک گروه جنایی سازمان یافته ارتکاب یابد.

۲- علم، قصد، هدف، مقصود یا توافق مورد اشاره در بند ۱ این ماده را می‌توان از اوضاع و احوال موضوعی عینی استنباط کرد.

۳- دولتهای متعاهدی که حقوق داخلی آنها برای تحقق جرایم مندرج در بند ۱ (I) (a) این ماده، وجود یک گروه جنایی سازمان یافته را لازم می‌دانند ترتیبی خواهند داد که حقوق داخلی آنها تمام جنایات ارتكابی گروههای جنایی سازمان یافته را شامل شود. چنین دولتهایی، همچنین دولتهای متعاهدی که حقوق داخلی آنها وجود عملی را برای تحقق توافق انجام شده در جهت ارتکاب جرایم مندرج در بند مذکور لازم می‌دانند، چنین امری را موقع امضاء یا تودیع سند تصویب، پذیرش، تصدیق یا الحاق به این کنوانسیون به دبیر کل سازمان ملل متحد اطلاع خواهند داد.

اولین مطلبی که با مطالعه عنوان ماده و صدر آن جلب توجه می‌کند این است که این ماده - همچون سایر مواد این کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی - رأساً عنوان مجرمانه‌ای ایجاد نمی‌کند، بلکه دولتهای متعاقد را ملزم به تصویب قوانین و «سایر اقدامات» مقتضی می‌کند. با مطالعه کارهای مقدماتی این معاهده و مذاکرات مربوطه متوجه می‌شویم که منظور از «سایر اقدامات» مندرج در مواد ۸، ۶، ۵ و ۲۳ این کنوانسیون اقداماتی علاوه بر اقدامات قانونگذاری و در جهت تکمیل آن می‌باشند.^{۱۴}

جنایت سازمان‌یافته فراملی به خاطر ماهیت خود توسط «شرکای» جرم ارتکاب می‌یابد نه توسط مباشر. اگر رکن مادی جرم را یک نفر مستقلاً و به تنهایی انجام دهد مباشر جرم نامیده می‌شود و اگر دو یا چند نفر مشترکاً و با همکاری یکدیگر رکن مادی جرم را انجام دهند شرکای جرم نامیده می‌شوند که این معنی را در حقوق داخلی ایران با مطالعه ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی می‌توان فهمید. در جنایات سازمان‌یافته، مدیریت یا طراحی نقش خیلی مهمی دارد؛ یعنی عملی که در جرایم عادی فقط «معاونت» محسوب می‌شود و جنبه فرعی و تبعی دارد، در این جنایات مهمتر از ارتکاب رکن مادی تلقی می‌گردد.

با توجه به تعریف و مصادیق ارائه شده در این ماده به نظر می‌رسد که رکن مادی جنایت سازمان‌یافته همیشه به صورت فعل (عمل مثبت) می‌باشد و با ترک فعل (عمل منفی) محقق نمی‌گردد. به عبارت دیگر، کسی به اتهام مشارکت در ارتکاب این جنایت، مسؤولیت کیفری دارد که

14. Report of the Ad Hoc Committee on the Elaboration of a Convention against Transnational Organized Crime on the work of its first to eleventh sessions, *Addendum*; Interpretative notes for the official records (*travaux préparatoires*) of the negotiation of the United Nations Convention against Transnational Organized Crime and the Protocols thereto, UN.Doc.A/55/383/Add.1, p. 3.

عملی انجام داده باشد. طبق این ماده، صرف عدم انجام کاری (مثلاً عدم اعلام به مقامات و...) جرم محسوب نمی‌شود.

همانطور که از اسم این جنایت به ذهن متبادر می‌شود، جنایت فراملی «سازمان یافته» باید دارای سازماندهی خاصی باشد و اعضای تشکیل دهنده آن در بین خود دارای سلسله مراتب باشند لذا اساساً ارتکاب این جرم توسط شخص واحد متصور نیست. بنابراین، در داخل گروه، هریک از اعضا دارای وظایف و اختیارات مشخص و از پیش تعیین شده‌ای است و اغلب حقوقدانان بر این نکته تأکید نموده‌اند.^{۱۵} با این حال در کنوانسیون وجود «سلسله مراتب» جزء تعریف گروه مجرمانه نیامده و برای تحقق جنایات مندرج در این کنوانسیون وجود سلسله مراتب ضروری شناخته نشده است؛ با مراجعه به گزارش کارهای مقدماتی تدوین کنوانسیون ملاحظه می‌گردد که «گروه واجد ساختار» نیازی به سلسله مراتب ندارد، بلکه این واژه هم شامل گروههای دارای سلسله مراتب و هم گروههایی که سلسله مراتب ندارند و نقش هریک از اعضای گروه رسماً تعریف نشده است، می‌گردد.^{۱۶} بدیهی است هرچه قیود بیشتری در تعریف عنوان مجرمانه آورده شود، زمینه فرار مجرمین از چنگال عدالت بیشتر می‌شود. لذا سیاست کلی در تدوین کنوانسیون این بوده که اثبات ارتکاب جنایت را تا حد اکثر ممکن تسهیل کند.

در عنوان ماده و متن آن که به «گروه جنایی سازمان یافته» اشاره شده است باید دید که مقصود از این اصطلاح چیست؟ در ماده ۲ کنوانسیون که به تعریف واژگان مورد استفاده در این کنوانسیون اختصاص یافته، در بند الف آمده است:

15. Viktor Vasilievich Luneev, *Crime in the xxth Century, International Criminological Analysis*, chapter 9, <http://www.american.edu/tracc/pdfs/HTMLs/luneevchapter9.html>.

16. UN.Doc.A/55/383/Add.1, p. 2.

«گروه جنایی سازمان یافته» به معنی یک گروه دارای ساختار تشکیلاتی مرکب از سه نفر یا بیشتر است که برای مدت زمانی موجودیت می‌یابد و هماهنگ با هدف ارتکاب یک یا چند جنایت شدید یا جرایم مندرج در این کنوانسیون به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم یک نفع مالی یا نفع مادی دیگر فعالیت می‌کند.

از تلفیق این تعریف با ماده ۵ می‌توان استنباط نمود که از نظر این کنوانسیون اولاً، اگر فقط دو نفر با همفکری و همکاری هم به ارتکاب جرایم موضوع این کنوانسیون مبادرت ورزند، مشمول تعریف این کنوانسیون نمی‌شوند؛ چون حداقل تعداد باید سه نفر باشد. باید توجه داشت که در یک گروه یا سازمان که به منظور رسیدن به هدف یا اهدافی تشکیل گردیده است، اصولاً هریک از اعضا وظایفی به عهده دارند. ماهیت جرایم ارتكابی نیز غالباً به گونه‌ای است که یک نفر به تنهایی نمی‌تواند رکن مادی آن را انجام دهد. همچنین، مدیری که سازماندهی گروه را بر عهده دارد - هرچند خود مستقیماً در عملیات اجرایی شرکت نکند - یا کسی که سرمایه‌گذاری نموده و مقدمات فعالیت چنین گروهی را فراهم نموده است؛ به هیچ‌وجه نقشی کمتر از کسی که مستقیماً عملیات اجرایی جرم را انجام می‌دهد، ندارد. از این رو برخلاف جرایم معمولی که اصولاً مسئولیت معاون کمتر از مباشر یا شریک است در این مورد مسئولیت همه آنها یکسان است.

ثانیاً، اگر تعدادی گرد هم آمده و با تبانی قبلی مرتکب جرمی شوند و سپس متفرق گردند، عمل نامبردگان مشمول کنوانسیون نمی‌گردد، هرچند این جرم «سازمان یافته» و «فراملی» باشد و به منظور کسب منافع مادی صورت گرفته باشد، چرا که گروه باید برای «مدت زمانی» موجودیت داشته باشد. این شرط، ویژگی استمرار و تداوم ارتکاب جنایت

سازمان یافته فراملی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر گروهی برای ارتکاب جرمی واحد گرد هم آیند، گروه جنایی سازمان یافته محسوب نمی‌گردند.

ثالثاً، اگر گروهی که دارای تمام اوصاف «سازمان یافته، فراملی، سه نفر یا بیشتر، با هدف ارتکاب جرم و برای مدتی نامحدود» تشکیل شود و مبادرت به ارتکاب جرم نماید، ولی «انگیزه» ارتکاب جرم، تحصیل منافع مادی و مالی نباشد در این صورت نیز چنین جرمی مشمول تعریف مندرج در این کنوانسیون نمی‌گردد. حال باید دید که منظور از «نفع مادی دیگر» چیست. مقصود تدوین کنندگان کنوانسیون از آوردن «نفع مادی دیگر» بعد از نفع مالی، تأکید بر گسترش این مفهوم بوده به طوری که شامل منافی مثل لذت جنسی و نظایر آن هم بشود.^{۱۷}

در تحقق جنایت سازمان یافته وجود «انگیزه» یا داعی حائز اهمیت اساسی است. منظور از انگیزه هدف و مقصود نهایی هر مرتکب، جرمی است که با ارتکاب عمل مجرمانه درصدد تحصیل آن است. می‌دانیم که در حقوق کیفری داخلی اصولاً انگیزه یا داعی در «تحقق» جرم دخیل نیست؛ مگر این که قانونگذار تصریح به این امر کرده باشد. برای مثال در جرایم علیه امنیت ملی قانونگذار انگیزه «براندازی یا برهم زدن امنیت کشور» را شرط تحقق جرم یا در مواردی عامل مشدده کیفر تلقی می‌کند.^{۱۸} این موارد استثنایی بر اصل و قاعده کلی تلقی می‌گردد که انگیزه در تحقق جرم مؤثر نیست. همچنین انگیزه می‌تواند در تخفیف مجازات مؤثر باشد (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) که این امر نیز ارتباطی با «تحقق» جرم ندارد. ولی

17. UN.Doc.A/55/383/Add.1, p. 2.

۱۸. برای نمونه ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرکس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسؤولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع‌آوری کند ... به حبس ... محکوم می‌شود».

در تحقق «جنایت سازمان یافته فراملی» بنا بر تعریف کنوانسیون «انگیزه تحصیل منافع مادی» شرط تحقق است و با فقدان آن ممکن است جنایت بین‌المللی دیگری به وقوع بپیوندد یا اساساً عمل ارتكابی فاقد وصف مجرمانه بین‌المللی باشد.

مطابق اصول حقوق کیفری و بویژه اصل برائت (مندرج در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق، بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا، بند ۱ ماده ۱۱ پیش‌نویس قانون (کُد) جرایم علیه صلح و امنیت بشری،^{۱۹} و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مندرج در اصل ۳۶ قانون اساسی، ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۳ پیش‌نویس قانون (کُد) جرایم علیه صلح و امنیت بشری و مواد ۲۲ و ۲۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و...) مقام تعقیب‌کننده وظیفه دارد که نزد دادگاه بیطرف، ارکان جرم را به اثبات رسانده و دلایل کافی علیه متهم در خصوص عنصر معنوی جرم ارائه نماید. لیکن در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون برای سهولت اثبات رکن معنوی اماره‌ای پیش‌بینی شده است که علم، قصد و انگیزه را می‌توان با اشتغال شخص به برخی فعالیت‌های جنایتکارانه احراز نمود. به عبارت دیگر، با چنین رفتارهایی وجود عنصر معنوی مفروض تلقی می‌گردد و لذا می‌توان گفت اماره سوء نیت پذیرفته شده است.

در ماده ۳ کنوانسیون تحت عنوان «قلمرو اجرایی» در قسمت ب بند ۱ صریحاً بیان شده است که جرم ماهیتاً باید «فراملی» باشد. لذا یکی از

۱۹. در خصوص پیش‌نویس ۱۹۹۴ این کد قبل از اصلاحات نهایی در ۱۹۹۶ رک. دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی - دکتر منوچهر خزانی، درآمدی بر پیش‌نویس قانون بین‌الملل جزاء، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره هجدهم و نوزدهم، سال ۱۳۷۴-۱۳۷۳، صص ۲۸۰-۲۳۹.

اوصاف مهمی که می‌توان برای جنایات مشمول این کنوانسیون برشمرد، همانا فراملی بودن آن است. اما این که در چه صورتی جنایت ارتكابی فراملی محسوب می‌شود در بند ۲ همین ماده بیان شده است که به خاطر اهمیت آن عیناً بیان می‌شود.

۲... از نظر بند ۱ این ماده یک جرم در صورتی ماهیتاً فراملی تلقی می‌گردد که:

الف) در قلمرو بیش از یک دولت ارتكاب یابد؛

ب) در یک دولت ارتكاب یابد ولی بخش مهمی از مقدمات، طرح‌ریزی، هدایت یا کنترل آن در دولت دیگری صورت پذیرد؛
ج) جرم در سرزمین یک دولت، ولی توسط یک گروه جنایی سازمان‌یافته ارتكاب یابد که در سرزمین بیش از یک دولت به فعالیت اشتغال دارد؛ یا

د) جرم در یک دولت ارتكاب یابد ولی آثار اساسی آن در سرزمین دولت دیگری بروز کند.

در این ماده، ۴ مورد به عنوان ملاک «فراملی» بودن جنایت تلقی شده‌اند. اگر به رکن مادی جرم توجه شود فقط مورد اول بطور واقعی و عینی در بیش از یک کشور واقع شده است. در حقوق کیفری بین‌المللی و در قوانین کیفری ملی بیشتر کشورها در مقررات مربوط به اعمال صلاحیت مورد چهارم نیز پذیرفته شده است؛ یعنی اگر صرفاً اثر جرمی در کشور دیگری بروز کند، کشور مربوطه می‌تواند جرم مزبور را ارتكاب یافته در سرزمین خود تلقی نموده و نسبت به تعقیب مرتکبان - ولو این که اصل جرم در خارج از کشور رخ داده باشد - اقدام نماید. این مفهوم را در حقوق کیفری ایران در ماده ۴ قانون مجازات اسلامی می‌توان یافت که مقرر می‌دارد: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از

قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است.» تأثیرگذاری یک عمل در سرزمین بیش از یک دولت ملاک واحدی است که هم می‌تواند مبنای اعمال صلاحیت توسط دولتهای مختلف گردد و هم جرمی را فراملی کند.

بند ب مذکور در یک نگاه دو دسته افعال را شامل می‌شود: اول تهیه و تدارک مقدمات ارتکاب جرم است که در حقوق داخلی اصولاً فاقد وصف جزایی است. دسته دوم که در واقع رکن معنوی جرم را شامل می‌شود و مداخله‌ای در عملیات اجرایی جرم صورت نمی‌پذیرد، ماهیتاً معاونت در جرم محسوب می‌گردد. ولی بندهای ب و ج را باید با توجه به سازمان یافته بودن این گروهها ارزیابی کرد. اشخاص به اعتبار عضویت در این گروهها دارای حقوق و تکالیف خاصی می‌گردند و به عنوان عضو یک گروه عمل می‌کنند و پرواضح است که اگر ارزیابی «فراملی بودن» و «تحقق جرم» مبتنی بر عملکرد تک تک اعضای گروه، صرف نظر از گروه باشد، هرگز نباید صحبت از جنایت «فراملی و سازمان یافته» کرد. زیرا اگر هم فعالیت شخصی منفرد بتواند جنبه فراملی پیدا کند هرگز نمی‌تواند سازمان یافته به معنی اصطلاحی باشد.

از مطالعه ماده ۵ کنوانسیون و تلفیق آن با مواد ۲ و ۳ بطور خلاصه می‌توان اوصاف زیر را برشمرد:

۱- ارتکاب جنایت توسط گروهی که متشکل از سه نفر یا بیشتر باشد؛

۲- جنایت ارتكابی ماهیتاً فراملی باشد؛

۳- فعالیت گروه برای مدتی استمرار داشته باشد؛ و

۴- انگیزه و هدف نهایی تحصیل منافع مالی و مادی باشد.

در مواد کنوانسیون به وجود سلسله مراتب و تقسیم کار و مقررات شدید داخلی گروه جنایی اشاره نشده است؛ ولی غالباً گروه زمانی می‌تواند استمرار داشته و هدف خاصی را دنبال نماید و به طور منسجم عمل نماید که مقام تصمیم‌گیر و مجری و اختیارات هریک از آنان مشخص باشد. لیکن فقدان این امور - که اساساً مسائل داخلی گروه می‌باشند - هیچ تأثیری در تحقق فعل جنایتکارانه ندارند و هرچند در مفهوم «گروه» مستتر می‌باشند ولی به درستی مورد تصریح واقع نشده‌اند تا جنایتکاران حرفه‌ای نتوانند آن را دستاویزی برای سوء استفاده و فرار از مسئولیت قرار دهند. در خصوص سایر اوصافی که حقوقدانان احصاء می‌کنند نیز وضعیت مشابهی وجود دارد، یعنی در کنوانسیون وارد نشده‌اند. همچنین توسل به شیوه‌های خاصی مثل خشونت، افساد و رشوه هیچ اشاره‌ای نگردیده است. بطور کلی کنوانسیون به امور داخلی گروه همچون وفاداری، رازداری، نحوه عضوگیری و... نمی‌پردازد و اساساً اشاره به چنین مواردی اثر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد.

لیکن شرط «ماهیتاً فراملی بودن» که در نوشته‌های اغلب حقوقدانان به چشم نمی‌خورد، در کنوانسیون به عنوان شرط تحقق این جنایت بطور صریح بیان شده است. علت این امر آن است که اگر جنایتی صرفاً در چارچوب سرزمین یک دولت طراحی، سازماندهی و ارتکاب یافته باشد و آثار آن نیز صرفاً متوجه همان دولت باشد، حاکمیت دولت مربوطه اقتضاء می‌کند که آن دولت در قالب تدابیر ملی به نحوی که مصلحت می‌بیند عمل کند و چنین جنایاتی از شمول این کنوانسیون خارج می‌باشند. بدیهی است که چون اکثر نویسندگان به جنایت سازمان‌یافته به طور اطلاق توجه دارند و «فراملی» بودن امری فرعی و ثانوی تلقی می‌گردد، لذا نیازی به آوردن این قید احساس نمی‌کنند.

گفتار دوم

آثار جنایت سازمان یافته فراملی

هر جرمی آثار زیانباری را بر جامعه تحمیل می کند و دقیقاً به خاطر همین آثار است که عملی عنوان مجرمانه به خود می گیرد. به عبارت دیگر، مبنای جرم‌انگاری و فلسفه وجودی هر جرمی همانا آثار و پیامدهای زیانباری است که از ارتکاب آن عمل ناشی می شود. به منظور درک فلسفه جرم‌انگاری جنایات سازمان یافته فراملی، باید آثار آن شناخته شود، زیرا همین آثار موجب پیدایش فکر مبارزه بین‌المللی با این پدیده و نهایتاً ایجاد عزم بین‌المللی برای تدوین یک کنوانسیون بین‌المللی گردیده است.

جنایت سازمان یافته فراملی آثار متعددی در ابعاد مختلف از خود بر جای می گذارد. از طرفی ساختار سیاسی حکومت و به طور کلی حاکمیت، دموکراسی و حتی نظم جهانی را مختل می کند که این امر جامعه مدنی و نهادهای آن را تحلیل می برد. تزلزل نهادهای مدنی به نوبه خود موجب بی‌ثباتی و ضعف حکومت و جامعه در برخورد با جرم و جنایت به طور کلی می گردد. از سوی دیگر، جنایت سازمان یافته بر سیستمهای اقتصادی - اعم از ملی و بین‌المللی - تأثیر می گذارد. سازمانهای جنایتکارانه فراملی همچنین با تهدید و کشتن روزنامه‌نگارها و اهل مطبوعات و قاچاق غیرقانونی اشخاص و سوء استفاده از آنها؛ ضمن قربانی گرفتن از افراد جامعه، آزادی بیان و حقوق بشر را نقض می کنند. نفوذ این گروهها به درون سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری حقوق شهروندی کارگران را نقض می کند. همچنین قاچاق غیرقانونی زنان و کودکان و سوء استفاده‌های جنسی از آنان، علاوه بر نقض حقوق بشر، آثار انسانی و فرهنگی قابل توجهی از خود بر جای می گذارد.

با توجه به این که جنایت سازمان یافته فراملی مصادیق مختلف و متعددی دارد و این امر خود موجب می گردد آثار این جنایت ابعاد مختلف و گسترده ای بیابند، آثار جنایت سازمان یافته در ابعاد مختلف، بعضاً با تأکید بر مصادیق خاص بررسی خواهد شد. برای نمونه، در جرمی مثل تطهیر پول، آثار فرهنگی - انسانی ناچیز است، برعکس در قاچاق و بهره برداری از زنان و کودکان چنین اثری قابل توجه و گسترده است. بنابراین مباحث این گفتار در سه مبحث ۱- آثار سیاسی ۲- آثار اقتصادی و ۳- آثار انسانی - فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۱- آثار سیاسی

آثار سیاسی جنایت سازمان یافته فراملی هم در بعد ملی و هم در بعد بین المللی حائز اهمیت است که البته این دو بر هم اثر متقابل دارند. نظم سیاسی جهانی زمانی مستحکم تر می شود که اشکال دموکراتیک حکومتها مبتنی بر احترام به حاکمیت قانون و آراء عمومی در میان ملل مختلف گسترش یابد. جنایت سازمان یافته فراملی مستقیماً به رژیمهای دموکراتیک موجود و جوامع و رژیمهای در حال انتقال به سیستم دموکراتیک صدمه می زند. جنایت سازمان یافته از طریق ارتشاء و نفوذ در مأمورین و اخلال در جریان رسیدگی، حاکمیت قانون و مشروعیت حکومت دموکراتیک را زیر سؤال می برد. در جوامعی که دولت از نظر سیاسی در دوره انتقالی به سر می برد و در حال گذار به مردم سالاری است، گروههای مجرمانه با توسل به عناصر خود - که مسؤولیت های کلیدی را در میان قانونگذاران اولیه که مسؤول پیش نویسی و تدوین قوانین هستند، احراز می کنند - دولت مربوط را از بیخ ریشه کن می کنند. حضور و نفوذ آنها در میان ارکان حکومت و نهادهای حکومتی مشروع، استحکام و ثبات

سیاسی حکومت را زائل می‌کند، چرا که اعضای گروههای جنایتکار فقط به تحصیل منافع جنایتکارانه و نامشروع خود می‌اندیشند و دغدغه منافع عموم را ندارند.^{۲۰}

گروههای جنایی سازمان‌یافته فراملی هم در کشورهای دارای دموکراسی پیشرفته و هم در دموکراسی‌های در حال توسعه سعی می‌کنند در مأمورین حکومتی رده بالا هم در کشور متبوع و محل پیدایش خود و هم در کشور محل فعالیت، با دادن رشوه نفوذ کنند. لیکن این گروهها اغلب زمانی موفق‌تر هستند که تلاشهایشان در قلمرو دولت — ملتهایی صورت گیرد که در مرحله انتقالی هستند، چرا که در این کشورها به گونه‌ای که در یک کشور دارای دموکراسی مستحکم و باثبات، نظام حقوقی تحت نظارت است، کنترل وجود ندارد.^{۲۱}

گروههای جنایی سازمان‌یافته فراملی همچنین دولتها را از طریق قاچاق مواد هسته‌ای تهدید می‌کنند. امروزه جهان دیگر نگران درگیری هسته‌ای بین ابرقدرتهای دنیا نمی‌باشد، بلکه تهدید هسته‌ای عمدتاً از قاچاق تسلیحات توسط مرتکبان جنایت سازمان‌یافته که شکل جدید و مرگبار فعالیت غیرقانونی آنان است، نشأت می‌گیرد. قاچاق مواد هسته‌ای ممکن است باعث شود یک کشور یا گروه جنایتکار مستقلاً سلاح هسته‌ای تولید کند و از این طریق قدرت تهدید و اخاذی هسته‌ای پیدا کند.

در گذشته مفهوم دولت جنایتکار در مورد آلمان نازی به کار می‌رفت. امروزه این واژه را می‌توان در مورد دستگاه دولتی که برای پیشبرد اهداف گروههای جنایی سازمان‌یافته مورد استفاده واقع می‌شود، به کار برد. این امر در خصوص کشوری مثل ایتالیا مصداق دارد که در آنجا

20. Louise I. Shelley, *Transnational Organized Crime: An Imminent Threat to the Nation-State?* Journal of International Affairs, Winter 1995, p. 468.

21. Ibid.

بیش از یک قرن سیاست و جنایت با یکدیگر همزیستی می‌کنند. از آقای گیلیو اندراوتی* - که هفت دوره نخست وزیر بود و چهره قدرتمند حزب سوسیال دموکرات پس از جنگ تلقی می‌شد - دو بار به خاطر اتهام همکاری با مافیا سلب مصونیت پارلمانی شده است. آقای بتینو کراگسی** نخست‌وزیر پیش از وی، از حزب سوسیالیست رسماً متهم به دریافت رشوه گردیده است. آثار نفوذ جنایت سازمان‌یافته به داخل دولت ایتالیا این کشور را از ایفای نقش اقتصادی درخور خود در اروپا بازداشته است.^{۲۲}

در کلمبیا رابطه بین حکومت و کارتل‌های قاچاق دارو به اندازه ایتالیا قدمت ندارد، ولی اثر آن بر روی دولت و نهادهای دموکراتیک آن زیانبار بوده است. فرایند مردم‌سالاری و حاکمیت قانون، هم در روند قانونگذاری و هم در اجرای قانون به شدت تحلیل رفته است. زمانی که نیروهای سیاسی توسط گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته تأمین و تغذیه مالی می‌شوند و نمایندگان یا نفوذی‌های این گروه‌ها انتخاب و به پارلمان فرستاده می‌شوند، امکان پیدایش ساختار حقوقی مورد نیاز برای تغییر حاکمیت استبدادی به حاکمیت دموکراتیک کاهش می‌یابد.^{۲۳}

ایتالیا و کلمبیا هر دو دریافته‌اند که به محض این‌که جنایت سازمان‌یافته در داخل دولتی نفوذ کند، دولت قادر به رهانیدن خویش از یوغ این جنایت نخواهد بود؛ حتی اگر منابع عظیم اقتصادی و انسانی سرمایه‌گذاری کرده و با سرکوب شدید و فدا کردن افراد همراه باشد. آثار نفوذ جنایت سازمان‌یافته به بخش دولتی زیانبار است، برای این‌که چنین

*. Giulio Andreotti.

** Bettino Craxi.

22. Shelley, op. cit., p. 469.

23. Ibid.

نفوذی مانع از مبارزه دولت با این گروهها در سرزمین مبدأ آنها می‌شود و بدان وسیله دموکراسی مشروع را تحلیل می‌برد.^{۲۴}

کشورهای در حال توسعه و دموکراسی‌های نوپا بیشتر مورد هدف جنایت سازمان‌یافته فراملی، چه از درون و چه از ورای مرزها، بوده‌اند. به خاطر این که نهادهای اجتماعی این جوامع یا مرحله پیدایش و تکوین خود را سیر می‌کنند و یا جوان و نوپا هستند، زمینه‌ها و فرصتهای بیشتری در این جوامع برای بروز و جولان مرگبار جنایت سازمان‌یافته وجود دارد. غالباً سیستمهای عدالت کیفری کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که اقتصادشان در حال انتقال است متناسب با شیوه عملیاتی پیشرفته این گروهها نیست. دولتهای در حال انتقال — خواه انتقال سیاسی باشد یا اقتصادی یا هر دو — از نظر آسیب‌پذیری در قبال جنایت سازمان‌یافته وضعیت منحصر به فردی دارند.

به طور کلی وضعیت انتقالی یک کشور، دارای یک یا چند از این اوصاف است: ۱- فروپاشی و استقرار مجدد ساختارهای دولت؛ ۲- تغییرات اساسی در اصول زیربنایی مدیریت اقتصادی؛ ۳- تعریف مجدد اصول و ارزشهایی که بر مبنای آنها جامعه عمل می‌کند؛ ۴- بازنگری در جهت‌گیری روابط با جهان خارج.^{۲۵}

پس از فروپاشی نظم سیاسی و اجتماعی موجود و قبل از بازسازی و استقرار ساختارهای دولتی جدید، نهادهای عمومی قادر به اعمال همان اندازه کنترل اجتماعی که رژیم قبلی اعمال می‌کرد، نیستند. در عین حال

24. Ibid., pp. 467-468.

25. Philip Williams, *Drugs, Crime and States in Transition: The Russian Federation*, unpublished paper prepared for UNDCP International Conference with the Russian Federation, Moscow 16-17 April 1997 Quoted By: M. Cherif Bassiouni and Eduardo Vetere, *Organized Crime; A Compilation of UN Documents 1975-1998*, Transnational Publishers, Inc. Ardsley, New York, 1998, p. xiv.

چندین ویژگی اقتصادی در حال انتقال موجب افزایش جنایت سازمان یافته می گردد. این ویژگیها عبارتند از سیر نزولی تولید، تورم یا فوق تورم، رشد بیکاری، ابهامهای اقتصادی جدید و فقدان جایگزینهای اقتصادی مشروع، بویژه در دوره فترت پس از فروپاشی سیستم قدیمی و قبل از دوره کارکرد مؤثر سیستم اقتصادی جدید. نقطه نظرات اجتماعی و فرهنگی، قواعد و هنجارهای سنتی و بویژه محظورات رفتاری نوعاً در دولتهای در حال انتقال سست و کمرنگ می شوند. در نتیجه روابط مستحکم و کنترل اجتماعی جامعه در مبارزه با جنایت سازمان یافته کم اثرتر می شود.^{۲۶}

در مرحله انتقالی انزوای قبلی جای خود را به گشایش جدیدی می دهد که تمایل دولت انتقالی را به ورود در اقتصاد جهانی منعکس می کند. گشایش جدید به منظور تشویق تجارت و سرمایه گذاری خارجی طراحی می شود و برای رشد و توسعه اقتصادی امری اساسی تلقی می گردد. مشکل این است که وقتی مرزها باز می شوند کنترل ورود افراد و اشیاء و تفکیک بین فعالیت بازرگانی مشروع و نامشروع مشکل تر می شود. در نتیجه دولتهای در حال انتقال نفوذ پذیر می شوند.^{۲۷}

امتیازاتی که گروههای جنایتکارانه در جوامع انتقالی از آن برخوردار می شوند؛ به خاطر مبالغ قابل توجه پول در دسترس آنها و توانایی آنها در از بین بردن رقیب از طریق تهدید و خشونت است. سرمایه جمع آوری شده به این گروهها اجازه می دهد که بخشهای اقتصادی خصوصی شده را به قیمتهای خیلی نازلی خریداری کنند درحالی که هیچ گونه کنترلی برای بررسی منابع سرمایه وجود ندارد. از این رو گروههای جنایتکار سازمان یافته خود را مالک بخشهای اقتصادی می بینند

26. Ibid.

27. M. Cherif Bassiouni and Eduardo Vetere, op. cit., p. xiv.

که قبل از این متعلق به بخش عمومی بوده و از طریق آن بخشها کنترل خود را بر اقتصاد ملی افزایش می دهند. از طریق برتری اقتصادی آنها می توانند روند سیاسی را کنترل کنند و از مسؤولیت کیفی طرفه روند. دموکراسیهای در حال پیدایش و دولتهای در حال انتقال از یک مشکل ذاتی رنج می برند. بدین معنی که رژیمهای سابق غالباً از نظر اقتصادی فاسد بوده اند و در بطن خود گروههای جنایتکار سازمان یافته را پرورش داده اند که اینک در درون رژیم جدید نیز فعال هستند.

در نظامهای سوسیالیستی، بزهکاری اقتصادی اوصاف خاصی دارد. «در چنین سیستمی بزهکاری شدید اقتصادی (زائیده فقر و جیره بندی) اجتناب ناپذیر است. این بزهکاری نه فقط ناشی از کارمندی است که از قدرت اقتصادی خود سوء استفاده می کنند، بلکه تمام کسانی که فاقد هر گونه امتیازی هستند و مجبورند کالای مصرفی خود را از بازار سیاه خریداری نمایند در این بزهکاری شریک هستند. بدتر از این، اغلب تولیدات غیرقانونی در داخل کارخانه های دولتی تهیه می شود».^{۲۸}

ارتکاب جنایت سازمان یافته آثار زیانبار ویژه ای بر ثبات کشورهای در حال توسعه و دولتهای در حال انتقال دارد؛ جنایت سازمان یافته نهادهای اجتماعی را تضعیف می کند و موجب می شود آنها نتوانند از عهده تنشهای اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی که معمولاً اثر مستقیم بر دموکراسی های جدید و کشورهای در حال توسعه دارند، برآیند.^{۲۹}

۲۸. ریموند گسن، جرم شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، ناشر: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۷۴، صص ۵۳-۵۲.

29. Ibid., pp. xiv-xivi.

خانم شلی^{۳۰} در سال ۱۹۹۵ می‌نویسد: «جمهوریهای تازه به استقلال رسیده شوروی سابق که فاقد منابع کافی و اراده لازم برای مبارزه با جنایت سازمان یافته می‌باشند و همچنین تجربه فساد مالی و ارتشاء را در حکومت خود نداشته‌اند، حتی بیشتر از ایتالیا و کلمبیا در معرض نفوذ جنایت سازمان یافته هستند».^{۳۱} گذشت زمان به خوبی نشان می‌دهد که تحلیل و پیش بینی این نویسنده چقدر دقیق بوده است، چرا که جمهوریهای استقلال یافته شوروی سابق شدیداً درگیر گروههای جنایتکارانه سازمان یافته می‌باشند.

در سال ۲۰۰۱ در مقاله‌ای از همین نویسنده ذکر شده است: آثار جنایت سازمان یافته در دولتهای انتقالی که مردم آنها در صدد ایجاد دموکراسی، تعیین سرنوشت خود و حاکمیت قانون هستند، مخربتر است. در این مقاله به بررسی دولتهایی که سابقاً بخشی از اتحاد شوروی بودند پرداخته می‌شود که امروزه با اقتصادی راکد، حکومتهایی ضعیف در اجرای قانون و مبارزه با فساد، دست به گریبان هستند.

جنایت سازمان یافته در دولتهای تازه به استقلال رسیده شوروی سابق، با شدت و وسعت عملیاتی غیر قابل قیاس با دیگر گروههای جنایی سازمان یافته در صحنه بین‌المللی پیدایش یافته است. در این دولتها تعداد گروههای جنایتکار بالغ بر هزاران مورد است. ساختار تشکیلاتی این گروهها به صورت شبکه‌ای است که اغلب از خشونت به عنوان بخشی از راهبرد کاری خود استفاده می‌کنند. برخلاف سندیکاهای جنایی سایر کشورها که هر کدام به کالاها و خدمات خاصی اختصاص یافته‌اند، جنایت سازمان یافته در این دولتها مجموعه گسترده‌ای از فعالیتهای غیرقانونی را

۳۰. پروفیسور شلی (Shelley) مدیر آمریکایی مرکز جنایت سازمان یافته و فساد و از سرشناس‌ترین چهره‌های علمی در خصوص جنایت سازمان یافته فراملی می‌باشد.

31. Shelley, op. cit., p. 470.

شامل می‌شود. گروههای جنایتکار عمیقاً در اقتصاد مشروع، از جمله خیلی از شرکتهایی که سابقاً متعلق به دولت بوده‌اند و سپس به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، نفوذ کرده‌اند.^{۳۲}

جنایت سازمان‌یافته هم دموکراسی را - که عبارت از کنترل مردمی به اضافه تساوی سیاسی می‌باشد - و هم امنیت را تهدید می‌کند و به تبع آن اقتصاد نیز تهدید می‌شود. برای «امنیت» ابعاد مختلفی قائل شده‌اند: ۱- امنیت فردی در قبال بی‌قانونی و ظلم حکومتی؛ ۲- امنیت گروهی برای اقلیتها و اکثریتها و حمایت در قبال تبعیض، شبیه سازی اجباری، اخراج یا امحاء (نابودسازی) و ۳- امنیت دولتی، یعنی کشور دموکراتیک از تعرض خارجی، سرنگونی، تروریسم یا اشکال دیگر تهدید به حاکمیتش احساس امن بودن کند.^{۳۳}

علاوه بر امنیت اقتصادی که مورد نظر نویسنده نبوده، جنایت سازمان‌یافته قطعاً دموکراسی، امنیت فردی و امنیت دولتی را تهدید می‌کند. باید به این موضوع اشاره داشت که جنایت سازمان‌یافته فراملی از یک طرف و حاکمیت، دموکراسی، امنیت و حکومت قانون از طرف دیگر، اثر متقابل بر یکدیگر دارند. یعنی همانطور که ارتکاب جنایت سازمان‌یافته اصول فوق را به مخاطره می‌افکند، تحقق و برقراری حاکمیت قانون و برقراری دموکراسی و امنیت در سرزمین دولتی واجد اقتدار و حاکمیت می‌تواند ریشه جنایت سازمان را خشک کند، ولی از آنجایی که بسیاری از گروههای جنایتکار در کشورهای مختلف ریشه دوانیده‌اند، یک کشور به تنهایی قادر به ریشه‌کنی کامل این جنایت نمی‌باشد و ضرورت

32. Louise Shelley, *Crime Victimized Both Society and Democracy*, E-Journal of the U.S. Department of State (2001). <http://usinfo.state.gov/journals/itgic/0801/ijge/gi06.html>.

33. Janusz Bugajski, *Democracy, Economy and Security*. www.csis.org/ee/research.

عزم بین‌المللی برای مبارزه با آن هویدا می‌شود و مسأله جهانی‌شدن نیز با این مبحث پیوند می‌خورد.

در کنفرانس امضائی پالرمو در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۰ که سمپوزیوم ملل متحد تحت عنوان «مسائل حاکمیت و جهانی بودن در زمینه حاکمیت قانون در دهکده جهانی» برگزار شد، وزیر دادگستری ایتالیا در جلسه افتتاحیه اظهار داشت: مشروعیت و امنیت باید در سطح بین‌المللی مطرح شود تا در بستر جهانی شدن تضمین گردد. وی تأکید کرد که مسأله حاکمیت و جهانی شدن هم امری راهبردی و هم تعیین‌کننده است. این مسأله از زاویه امنیت و مشروعیت امری حیاتی می‌باشد. قبلاً مشروعیت در مرزهای ملی خاتمه می‌یافت ولی امروزه وضعیت دگرگون شده است. جهانی شدن بر اختلافات و مرزها غلبه یافته است و امنیت و مشروعیت باید در بستر جدید ارزیابی شود. نامبرده تأکید نمود که در سالهای اخیر روند اجرای اسناد بین‌المللی رو به فزونی است. این خود نشان می‌دهد که حاکمیت نقش کلیدی دارد. امضای یک معاهده بین‌المللی به منزله اقدام به پذیرش یک حاکمیت خارجی است که در امور داخلی نفوذ کرده است. برای مثال، پذیرش یک دیوان بین‌المللی به معنی پذیرش صلاحیت خارجی است.^{۳۴}

نماینده مدیر اجرایی اداره کنترل دارو و پیشگیری از جرم ملل متحد در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۰ اظهار داشت که این کنفرانس در توسعه اسناد بین‌المللی برای مبارزه با جنایت سازمان‌یافته فراملی بر نکته مهمی تأکید نموده است. در امضاء کنوانسیون، نقطه اتکاء جامعه بین‌المللی مفهوم

34. UN. DOC. L/T/4351 (ISSUES OF SOVEREIGNTY AND UNIVERSALITY IN CONTEXT OF RULE OF LAW IN GLOBAL VILLAGE DISCUSSED AT UN CONFERENCE SYMPOSIUM).

امنیت بشری - ماهیت آن و چگونگی اعتلاء بخشیدن به آن و حفظ آن در مقابل دشمنان - بود.^{۳۵}

وی اذعان داشت که حاکمیت قانون در یک جامعه قوی و سالم توازنی بین حقوق و آزادیهای شخص از یک سو و منافع جامعه بطور کلی از سوی دیگر ایجاد می کند. حاکمیت قانون، اصل وجود یک قانون برای همه را بدون آن که کسی بر قانون برتری داشته باشد، بیان می کند. در چنین جوی اصول دموکراسی اجرا می شود و شرایط امنیت بشری تأمین می گردد.

اگر دولتی تحت حاکمیت قانون باشد و بتواند با آرامش و به طور سنجیده بدون انحراف از جهت دموکراتیک به چالشهای امنیتی خارجی پاسخ دهد، آن وقت می توان چنین دولت - ملتی را قوی نامید. جهانی متشکل از دولت - ملتهای واجد اقتدار واقعی مطلوب است و برپا داشتن «کنوانسیون نوپا و پروتکلهای آن» به عهده چنین دولتهایی است.^{۳۶}

وی تأکید کرد که اصول حاکمیت و جهانی شدن می توانند برای حمایت از بشر در مقابل خفت و خواری بسیج شوند.^{۳۷}

رئیس کمیته علمی کنفرانس ابراز نمود که حاکمیت و جهانی شدن نباید به عنوان دو مفهوم مخالف هم تلقی شوند، بلکه آنها را باید در کنار هم دید که حاکمیت دولت با نیاز مطلق به جبهه مشترک جامعه بین المللی برای مبارزه با جنایت در یک ردیف قرار گرفته اند.^{۳۸}

35. Ibid.

36. Ibid.

37. Ibid.

38. Ibid.

۲- آثار اقتصادی

ارتکاب جرم و وضعیت اقتصادی هر جامعه‌ای با هم ارتباط تنگاتنگ داشته و تأثیر متقابلی بر روی هم می‌گذارند. به این معنی که میزان رشد اقتصادی و رشد بیکاری بر میزان و نوع جرایم ارتكابی در هر جامعه تأثیر می‌گذارد و ارتكاب جرم نیز متقابلاً ممکن است بر ساختار اقتصادی و میزان رشد و توسعه اقتصادی تأثیر گذار باشد. لیکن در این مبحث فقط به تأثیر جنایت سازمان‌یافته بر اقتصاد پرداخته و برای مطالعه تأثیر متقابل اقتصاد بر ارتكاب جرم و همچنین تأثیر ارتكاب سایر جرایم بر وضعیت و ساختار اقتصادی می‌توان به سایر منابع مراجعه کرد.^{۳۹}

درآمدهای زیاد گروه‌های جنایتکارانه سازمان‌یافته که از ارتكاب جرم حاصل می‌شود و در بازارهای جهانی تطهیر می‌شود، امنیت سیستم مالی و اقتصادی جهانی را تهدید می‌کند. با اشتغال جنایتکاران سازمان‌یافته فراملی به جاسوسی صنعتی و فن‌آوری، قدرت رقابت بازرگانی مشروع به شدت کاهش می‌یابد.

ارتشاء و سایر فعالیت‌های جنایی سازمان‌یافته، مانع از سرمایه‌گذاری خارجی می‌شوند که این امر نیز به نوبه خویش رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و دولت را از درآمدهایی که برای بازسازی زیر ساختها و پیدایش فرصت‌های جدید اقتصادی نیاز دارد، محروم می‌کند. میلیاردها دلار از اموال و سرمایه‌های کشور در ورای مرزها تطهیر می‌شوند و دولت از سرمایه لازم حتی برای پرداخت حقوق و مزایای کارکنان خود عاجز می‌گردد. بسیاری از سرمایه‌گذاران احتمالی احساس می‌کنند کشورهایی که جنایت سازمان‌یافته در سرزمین آنها کمتر وجود دارد، برای سرمایه‌گذاری و حفظ

39. See Eli Lehrer, *Crime & the Economy: What Connection?* <http://www.heritage.org/views/2000/ed11500c.html>.

دارایی بسیار مناسب‌تر هستند. برای کسانی هم که در چنین کشورهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند، انطباق با رشاء و ارتشاء یکی از فنون اساسی است که باید هرچه زودتر اقدام و خود را به این فن تجهیز کنند. این در شرایطی است که قوانین ملی اعمال مختلف و متعددی - از جمله رشوه - را جرم تلقی می‌کنند لیکن این قوانین در کشورهای مربوطه خیلی پیش پا افتاده و غیرعملی تلقی می‌شوند. انحراف روند خصوصی سازی در دولتهای جانشین شوروی سابق توسط جنایت سازمان یافته و مأمورین مرتشی، منجر به دو قطبی شدن این جوامع شده است. بدین صورت، به جای پیدایش و گسترش طبقه متوسط، یک اقلیت بسیار ثروتمند و یک طبقه بسیار فقیر که شامل اکثریت جمعیت می‌شود، به وجود آمده‌اند. بویژه این وضعیت در این کشورها که قبلاً از ایدئولوژی تساوی اجتماعی افراد پیروی می‌کردند بیشتر غیرقابل تحمل می‌نماید. اگرچه نابرابری اقتصادی در تمام دوران حکومت شوروی وجود داشت لیکن حداقل شکل پنهانی داشت و مثل سرمایه داران جدید کسی تظاهر به ثروتمندی و برتری اقتصادی و مالی خویش نمی‌کرد.^{۴۰}

فساد مالی در فلج کردن اقتصاد هر کشوری نقش غیر قابل انکاری دارد و مانع از توسعه اقتصادی می‌گردد. همچنین فساد مالی و ارتشاء منجر به تولید هزینه‌های خارجی به شکل «مالیتهای افزوده» می‌گردد که عمدتاً بر دوش اقتصاد ملی سنگینی می‌کند. این امر تخصیص کافی اعتبارات مالی به توسعه اقتصادی مورد نیاز را خصوصاً در کشورهای در حال توسعه به شدت با بحران مواجه می‌کند.^{۴۱}

40. Shelley, *Crime...*, *op. cit.*

41. TENTH UNITED NATIONS CONGRESS ON THE PREVENTION OF CRIME AND THE TREATMENT OF OFFENDERS, VIENNA, 10-17 APRIL 2000, UN.Doc. A/CONF.187/9. p. 5.

در تجارت بین‌المللی، فساد - بویژه به شکل ارتشاء - به عنوان یک مانع اساسی در امر تجارت و سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود. جامعه فاسد به سرمایه‌گذاران جهانی محیطی ناتوان را برای سرمایه‌گذاری ارائه می‌کند. سرمایه‌گذارانی که قصد سرمایه‌گذاری برای یک دوره دراز مدت به منظور عمران و توسعه اقتصادی را دارند از سرمایه‌گذاری در چنین محیطی مأیوس می‌شوند؛ در عوض آنهایی که در جستجوی منافع سریع مضاعف هرچند با پذیرش برخی مخاطرات احتمالی هستند، بیشتر رغبت به سرمایه‌گذاری در چنین محیطی را نشان می‌دهند.^{۴۲}

این امر نیز متقابلاً آثار زیانبار فساد مالی را بر اقتصاد رو به رشد جهانی افزایش می‌دهد. به تجربه ثابت شده است کشورهایی که سرمایه‌گذاری خارجی کمتری جذب می‌کنند از رشد اقتصادی کمتری برخوردارند.^{۴۳}

فساد مالی چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی، چه در سطح گسترده و چه در سطح محدود تجارت آزاد را با مشکل رو به رو می‌کند، رقابت سالم را به بیراهه می‌کشانند و ثباتی را که سیستم بازار آزاد بر محور آن می‌چرخد، تحلیل می‌برد.^{۴۴}

شرکتهای بازرگانی ممکن است برای کنار زدن موانع تجاری موجود و کاهش تعرفه‌های ملی و سرعت بخشیدن به تجارت بین‌المللی به پرداخت رشوه متوسل شوند. چنین اقدامی نهایتاً موقعیت دولت را تضعیف می‌کند،

42. Ibid., p. 6.

43. Paulo Mauro, *The Effects of Corruption on Growth, Investment, and Government Expenditure, A Cross-Country Analysis: Corruption and the Global Economy*, Kimberly Ann Elliot ed, Washington, D.C., Institute for International Economics, (1996), pp. 83-107.

44. See S. Bially, *International Business Community Foster Ethical Behavior*, Public Management Forum, vol. II, No. 5, (1996), Quoted in UN.Doc. A/CONF.187/9, (2000), p. 6.

درآمد حکومت را کاهش می‌دهد و الگوها و استانداردهای زیست محیطی و بهداشتی را نیز به مخاطره می‌افکند.^{۴۵}

فساد مالی گسترده، اعتماد به حکومت و نهادهای حکومتی را مخدوش می‌کند. در نتیجه یک فرهنگ منفی بوجود می‌آید که هرکس فقط به موفقیت شخصی خود و منافع کوتاه مدت می‌اندیشد. حاکمیت فساد مالی منجر به ناکارآمد شدن ضمانت اجراها و مجازاتهای کیفری می‌گردد، چرا که کسانی با توسل به ارتشاء از چنگال عدالت می‌گریزند و اثر مجازات نسبت به سایرین که حتی چنین توانی را ندارند کارآیی خود را از دست می‌دهد و این امر خود منجر به رشد جنایت سازمان‌یافته و سایر جرایمی که سیستم اقتصادی را به مخاطره می‌اندازند، می‌شود.^{۴۶}

وقتی کارکنان دولت ابزارهایی را که دولت برای تأثیرگذاری بر اقتصاد و اصلاح نارسایی‌های بازار خصوصی در اختیار دارد، به نفع خود به کار می‌گیرند، در واقع به قدرت دولت لطمه می‌زنند و توان دولت برای نقش مطلوب و اصلاحی را کاهش می‌دهند. می‌توان گفت که در این حالت شاهد نوعی خصوصی سازی دولت هستیم که در جریان آن، قدرت دولت به بازار انتقال نمی‌یابد، بلکه به کارکنان دولت و بوروکراتها می‌رسد. این امر در نهایت به عملکرد بازار نیز لطمه می‌زند.^{۴۷}

با فرض این که سیاست‌های دولت تابع معیارهای سنتی اعمال حکومتی باشد، فساد باعث خدشه دار شدن و انحراف نتایج کار به طرق متعدد می‌شود.

45. UN.Doc. A/CONF.187/9, (2000), p. 6.

46. Ibid.

۴۷. ویتو تانزی، مسأله فساد، فعالیتهای دولتی و بازار آزاد، ترجمه دکتر بهمن آقایی، مجله اقتصادی - سیاسی، شماره ۱۵۰-۱۴۹، بهمن - اسفند ۱۳۷۸، ص ۱۸۴.

فساد از راههای زیر باعث اخلال در نقش دولت در زمینه تخصیص منابع می‌شود:

– نشان دادن نرمش نسبت به مالیات دهندگان، زیرا رفتارهای خاصی از سوی بازرسان مالیاتی باعث می‌شود که دیون مالیاتی کاهش یابد. نظام قانونی مالیات‌ها طوری تنظیم می‌شود که حالت بیطرفانه داشته باشد ولی فساد نه تنها میزان مالیات‌های وصولی توسط دولت را کاهش می‌دهد، بلکه بیطرفی نظام مالیاتی را از طریق دادن امتیازهای رقابتی به برخی از تولیدکنندگان در مقابل دیگران، از بین می‌برد. چیزی که در این میان لطمه می‌بیند، عملکرد صحیح بازار است.

– از طریق اعمال خودسرانه (برخلاف اصل فاصله) قوانین و مقررات و در نتیجه اعطای امتیاز به برخی افراد در مقایسه با دیگران. این امر بخصوص در اعطای مجوزهای وارداتی، اعتبارات یارانه‌ای، مجوزهای منطقه‌ای و مجوزهای مربوط به انواع فعالیتهای اقتصادی مهم است. برای نمونه، چنانچه این ابزارها برای کمک به «صنایع نوپا» طرح‌ریزی شده باشد ولی در عمل به نفع صنایع دیگر به کار گرفته شود، نقش اصلاحی دولت مختل می‌شود و کارکرد بازار نیز صدمه می‌بیند.

– از طریق واگذار کردن کارهای دولتی یا خریدها و قراردادهای سرمایه‌گذاری که در آنها پیروزی در رقابت، ناشی از توان انجام کار با حداقل هزینه نیست، بلکه نتیجه وجود برخی روابط و پرداخت رشوه است.

– از طریق استخدام و ترفیع خودسرانه افراد برخلاف معیارهای عادلانه و عینی. انتخاب این گونه افراد نه تنها کیفیت تصمیم‌گیری را پایین می‌آورد بلکه با افزایش شدت تکرار اشتباهات و نیز دلسرد کردن افراد لایقی که روابط مربوطه را ندارند و احساس می‌کنند شانسی برای آنها نیست، به اقتصاد لطمه می‌زند. در جوامعی که به نظر می‌رسد بهترین مشاغل

در بخش دولتی است و در عین حال مشاغل به صورت نامناسب به افراد دارای روابط خاص می‌رسد، انگیزه فعالیت تحصیلی جدی در مدارس و کسب مدارج بالاتر آموزشی برای کسانی که روابط ندارند کاهش می‌یابد و در نتیجه رشد بالقوه اقتصاد نقصان می‌گیرد. در این حالت بازار کار هم مختل می‌شود.

- برخی افراد سعی می‌کنند مشاغل خاصی را به دست آورند نه به این دلیل که در آن مشاغل دارای توانمندی خاص یا استعداد مولد هستند، بلکه از آن جهت که امکان کسب سود بیشتری دارند. چنین مشاغلی باعث ترویج فساد است. چنانچه حقوق رسمی تا حدود زیادی با کل درآمدی که از موقعیتی خاص حاصل می‌شود فاصله داشته باشد، نقش مهمی در جلب افراد به مشاغل خاص ایفاء نمی‌کند. برای نمونه در کشورهای آسیای جنوب شرقی، شمار افرادی که در امتحانات مربوط به استخدام بازرس مالیات بر درآمد شرکت می‌کنند سخت افزایش یافته است، گرچه این شغل حقوق رسمی چندانی ندارد، اما تعداد داوطلبان مشاغل در وزارت خارجه که ظاهراً حقوق بالایی دارد کاهش یافته است. علت این است که داوطلبان مزبور احساس کرده‌اند شغل بازرس مالیاتی گرچه حقوقش کم است ولی درآمد اضافی قابل توجهی دارد. همچنین گزارشها حاکی از آن است که در برخی کشورها، مشاغلی که در آنها امکان دریافت وجوه کلان وجود دارد فروخته می‌شود یا توسط کسانی که قدرت اعطای چنین مسؤولیت‌هایی را دارند به حراج گذاشته می‌شود. بامول (۱۹۹۰) و نیز مورفی شیل فروویشینی (۱۹۹۱) هریک جداگانه استدلال کرده‌اند که در هر جامعه، افرادی با مهارت‌های چشمگیر مدیریتی که در عین حال بطور بالقوه قادرند بیشترین کمک را به رشد جامعه بنمایند، به سوی فعالیت‌هایی جذب می‌شوند که بیشترین بازده را دارد، خواه این فعالیت‌ها مولد باشد یا

صرفاً درآمد زیادی داشته باشد. اگر فساد باعث شود که افراد بیشتری به دنبال مشاغل دسته دوم بروند، عملکرد اقتصاد کشور در این میانه بازنده اصلی خواهد بود.^{۴۸}

فساد از طرق مختلف باعث اخلال در نقش توزیعی دولت می‌شود. اگر افراد برخوردار از رابطه‌های خوب بهترین مشاغل را بگیرند و سودآورترین قراردادهای دولتی را به دست آورند و از اعتبارات یارانه‌ای و ارز خارجی با نرخ ترجیحی و امثالهم برخوردار شوند و در عین حال مالیات خودشان را با دادن رشوه کم کنند، احتمال اندکی وجود دارد که فعالیتهای دولت منجر به بهبود امر توزیع درآمدها و ایجاد مساوات در نظام اقتصادی شود.

بالاخره باید گفت که فساد از هر لحاظ به نقش ثبات دهنده دولت لطمه می‌زند، زیرا این امر (ایجاد ثبات) مستلزم آن است که در غالب موارد، کسر مالی کاهش یابد. فساد به احتمال قوی باعث افزایش هزینه‌های دولت می‌شود. برای نمونه تخصیص مزایای از کار افتادگی به افرادی که واقعاً ناتوان نیستند، پرداخت مزایای شغلی به کسانی که کار نمی‌کنند و اعطای قراردادهای دولتی به افرادی که رشوه می‌دهند هزینه‌های دولت را بالا می‌برد. افزایش سرمایه‌گذاری غیرمولد اغلب توسط کسانی تشویق می‌شود که روی پروژه‌های سرمایه‌گذاری، «کمیسون» می‌گیرند. همچنین فساد از طریق راههای متعدد دیگری به تصمیمات مربوط به نحوه صرف هزینه‌ها لطمه می‌زند و باعث افزایش هزینه دولت در مقایسه با دستاوردهای آن می‌شود. وقتی مالیاتها پرداخت نشود یا به مسیرهای دیگری افتد، درآمد دولت پایین می‌آید. در برخی کشورهای در حال توسعه فشار مالیات مؤثر (یعنی نسبت کل پرداخت‌های مالیاتی به

۴۸. همان، صص ۱۸۵-۱۸۴.

درآمد ملی) بسیار بالاتر از فشار مالیات رسمی است چون مقداری از مالیاتها از جیب بازرسان مالیاتی سردرمی آورد.^{۴۹}

جنایات سازمان یافته فراملی، به خاطر مصادیق مختلف خود، علاوه بر آثار سیاسی و اقتصادی، آثار اجتماعی قابل توجهی نیز از خود بر جای می گذارند که ذیلاً به بررسی آن می پردازیم.

۳- آثار انسانی - فرهنگی

آثار اجتماعی جنایت سازمان یافته که شامل آثار انسانی و فرهنگی می شود کمتر مورد توجه نویسندگان و دولتمردان قرار گرفته است. شاید مهمترین بازتاب این آثار را بتوان در خشونت، قاچاق مواد مخدر، قمار، فحشا و گسترش بیماری ایدز (AIDS) که همگی تأثیر مستقیم و انکارناپذیر بر روی زندگی افراد و کیفیت آن دارند، ملاحظه کرد. گروههای جنایی بین المللی نه تنها این بازارهای غیرقانونی را به جریان می اندازند، بلکه زنان و کودکان را به فحشا و می دارند و به منظور رونق بازار مواد مخدر خود، وابستگی و اعتیاد به مواد مخدر را در میان میلیونها نفر گسترش می دهند.^{۵۰}

به علاوه، کنترل بازارهای غیرقانونی توسط جنایتکاران سازمان یافته بین المللی تأثیر اساسی در بی ثباتی و تضعیف وضعیت اقتصادی کل جامعه دارد که این امر بر کیفیت زندگی تمام افراد جامعه حتی آنهایی که در بازار کالاها و خدمات غیرقانونی هیچ دخالت و مشارکت مستقیمی ندارند، آثار مهمی از خود بر جای می گذارند. فعالیتهای اقتصادی غیرقانونی، اخذ مال به عنف و تحصیل امتیاز انحصاری بازارها، هزینه کالاها را برای

۴۹. همان.

50. Shelley, *Transnational ...*, p. 471.

مصرف کننده افزایش می دهد و در نتیجه شهروندان می بایست هزینه های سنگین تری را برای غذا، مسکن، خدمات دارویی و... بپردازند.^{۵۱}

ترویج اعتیاد میان افراد جامعه بویژه جوانان و گسترش فحشا حتی در میان کودکان و نوجوانان، آثار اخلاقی انکارناپذیری از خود به جا می گذارد و حتی در کیفیت تحصیل و آموزش آثار زیانباری دارد. قاچاق آثار فرهنگی ملل مختلف و تحصیل، صید (مثل صید غیرمجاز خاویار) و قاچاق گونه های نایاب، این گونه ها را برخی اوقات در معرض انقراض قرار می دهد. حفظ گونه های کمیاب و نایاب در طبیعت و محیط زیست برای آیندگان و حق نامبردگان برای دیدن و استفاده از این گونه ها یکی از حقوق بشری محسوب می گردد.^{۵۲} بنابراین انقراض و در معرض تهدید قرار دادن این گونه ها ناقض حقوق بشر نسلهای آینده نیز می باشد.

حمل و نقل و قاچاق اتباع خارجی ارزش و کرامت بشری را هم در دولت مبدأ و هم در دولت مقصد تهدید می کند. افزایش فحشای بین المللی و حلقه های تصاویر مستهجن جنسی، آثار اجتماعی و بهداشتی شدیدی برجای می گذارد. تجارت غیرقانونی الوار و قاچاق گونه های نادر و ضایعات هسته ای تا به حال نیز صدمه شدیدی به محیط زیست جهانی وارد نموده است.^{۵۳}

سالانه صدها هزار نفر زن و مرد و کودک بطور غیرقانونی در دنیا قاچاق می شوند و سپس به ارتکاب انواع جنایات واداشته می شوند و شاید تصور می شود که این افراد به طور اختیاری به ارتکاب جرم روی آورده اند تا از فقر بگریزند. این افراد غالباً مورد بهره برداری اقتصادی، جنسی و

51. Ibid.

52. دکتر اردشیر امیر ارجمند، تقریرات درس حقوق محیط زیست، دوره دکترای حقوق بین الملل، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، نیمسال اول تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸.

53. Shelley, Crime..., *op. cit.*

جسمی قرار می‌گیرند. آنان مبالغ قابل توجهی پول برای ارسال به کشور دیگری می‌پردازند بی آن‌که اطلاعات صحیحی از وضعیت آتی خود در کشور مقصد داشته باشند. در نهایت، مجبور به فحشا یا ارتکاب اعمال جنایی دیگر در کشور مقصد می‌شوند.^{۵۴}

در ایالات متحده آمریکا حداقل ۱۰۰۰۰۰۰ نفر مهاجر به فحشا اشتغال دارند و حسب گزارش جهانی ملل متحد که اخیراً انتشار یافته ۴۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ زن تایلندی در ژاپن به فحشا اشتغال دارند، و نیز تعداد افرادی که به‌طور غیرقانونی در کشورهای اتحادیه اروپا به فحشا به‌عنوان حرفه مشغول هستند از ۲۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود که دو سوم از این تعداد از کشورهای اروپای شرقی و یک سوم دیگر از سایر کشورهای در حال توسعه به اروپا قاچاق شده‌اند. از زمان خاتمه جنگ سرد و گشایش مرزها، قاچاق اشخاص گسترش و افزایش یافته است.^{۵۵}

برده‌داری اقتصادی و جنسی امروزه یک صنعت جهانی بسیار پُرمنفعتی محسوب می‌شود که توسط سازمانهای جنایتکارانه قدرتمندی مثل یاکوزا، تریاد و مافیا اداره می‌شوند. این گروهها سالانه مبلغی بالغ بر ۷ میلیارد دلار از این طریق تحصیل می‌کنند و در عین حال شبکه‌های خود را هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه‌یافته گسترش می‌دهند. زنان و نوجوانان غالباً از طریق آگهی استخدام در مشاغل داخلی کشور خارجی اغفال شده و سپس متوجه می‌شوند که از طریق آلبوم‌های حاوی عکس آنان، خرید و فروش شده‌اند. به محض این‌که به بردگی گرفته می‌شوند، غالباً مورد ضرب و شتم و زنا به‌عنف واقع می‌شوند و سپس توسط مالک اولی به بعدی و یا به صاحب فاحشه‌خانه فروخته

54. Trafficking in Persons: The New Protocol, <http://www.odccp.org/trafficking-protocol-background.html>.

55. Ibid.

می‌شوند و اغلب تا ۱۸ ساعت در روز کار می‌کنند. آنها خود را در چنگ صاحب یک مرکز فحشا می‌بینند که در بسیاری از موارد ورود و اقامتشان در کشور مقصد غیرقانونی است و هیچ‌گونه گذرنامه یا کارت شناسایی ندارند. ضمن این که هیچ مبلغی برای اداره زندگی خود ندارند، با قرض‌های کمرشکنی هم مواجه هستند که از بابت هزینه سفر و اقامت باید بپردازند.^{۵۶} زنان آسیایی در ایالات متحده و ژاپن به قیمت ۲۰۰۰۰ دلار به مالکین مراکز فحشا فروخته می‌شوند. حتی در بلژیک یک قاچاقچی، زنان آفریقایی را از آفریقا به این کشور قاچاق نموده و به قیمت ۸۰۰۰ دلار می‌فروخته است. زنان روسیه‌ای شاغل در مراکز فحشای آلمان حدود ۷۵۰۰ دلار در آمد ماهیانه دارند که از این مبلغ حداقل ۷۰۰۰ دلار را صاحب مرکز فحشا برداشت می‌کند.^{۵۷}

در اجلاسی که در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ در داکار (پایتخت سنگال) بین ۱۵ کشور آفریقایی موسوم به اکوواس^{۵۸} (جامعه اقتصادی دولتهای آفریقایی غربی) در زمینه مبارزه با قاچاق انسان برگزار گردید، اشاره شد که دو نوع قاچاق انسان در این مناطق بیشتر رواج دارد: الف) قاچاق کودکان برای واداشتن به کار اجباری خصوصاً کار در مزارع؛ ب) قاچاق زنان و کودکان به منظور بهره برداری جنسی. قربانیان این جنایات آسیب‌پذیرترین افراد و اقشار جامعه یعنی زنان، کودکان، فقرا و افراد تحصیل نکرده و یا کمتر تحصیل کرده می‌باشند. این افراد به راحتی فریب

56. Ibid.

57. Ibid.

58. ECOWAS.

قاچاقچیان را می‌خورند که وعده کار پرمفعت در ورای مرزها را به آنها می‌دهند.^{۵۹}

روشن است که همه این موارد بیانگر تهدید و نقض حق حیات و سایر حقوق بشری و انسانی می‌باشد. افراد بشری بی‌آن که اراده و تقصیری داشته باشند طعمه قاچاقچیان شده و انواع هتک حرمتها به آنها روا داشته می‌شود.

جنایتکاران سازمان یافته برای برداشتن موانع موجود بر سر راه فعالیت خود از ارتکاب هیچ جنایتی دریغ نمی‌کنند. چنانچه روزنامه نگاران و نویسندگان با افشاگری و تنویر افکار درصدد مقابله با ارتکاب جنایات سازمان یافته برآیند، گروههای جنایتکار درصدد حذف فیزیکی این افراد بر می‌آیند. این امر هم حق حیات افراد را زایل می‌کند، هم حق آزادی بیان و آزادی مطبوعات را تهدید می‌کند و نیز با ایجاد جو رعب و وحشت، امنیت جامعه را به مخاطره می‌افکند.

سرقت مالکیت معنوی افراد و نادیده گرفتن حق پدید آورندگان نیز آثار فرهنگی غیر قابل انکاری از خود به جا می‌گذارد، کما این که ارتکاب قتل‌های قراردادی و قاچاق اعضای انسانها آثار انسانی فجیعی دارند.

59. United Nations Information Service, <http://www.undcp.org/gress-release-2001-12-20-2.html>.

نتیجه گیری

جنايات سازمان يافته فراملي اعمال مجرمانه مختلفي را شامل مي شود كه توسط گروههاي جنائتكارانه متشكل از بيش از دو نفر، با اعمال نفوذ در ارگان حكومت، از طريق ارتشاء يا خشونت و قتل، معمولاً با سازماندهي خاص و به قصد تحصيل منافع مالي يا مادي ارتكاب مي يابند. به موجب كنوانسيون پالمو، علاوه بر موارد فوق، جنائت ارتكابي بايد ماهيتاً فراملي باشد و فعاليت گروه براي مدتي استمرار داشته باشد.

بايد تأكيد داشت كه آثار مختلف جنائت سازمان يافته با يكديگر ارتباط كامل داشته و بر هم اثر متقابل مي گذارند. به عبارت ديگر، آثار مختلف اين جنائت در فلج نمودن ساختارهاي جامعه دست به دست هم داده، اثر متقابل بر هم گذاشته و يكديگر را تكميل مي كنند.

فساد مالي فراگير و نفوذ جنائت سازمان يافته در فرايند سياسي، مانع از توسعه و تحقق قوانين جديد مورد نياز براي پي ريزي يك اقتصاد دموكراتيك مبتني بر بازار آزاد مي شود. وجود مقامات مالياتي كه پيوسته رشوه مي گيرند و ارتباطات پيدا و پنهان كاركنان دولت با گروههاي جنائتكار بين المللي، دولت را از بودجه هاي مورد نياز براي توسعه اقتصادي و سياسي محروم مي كند. نتيجه آن مي شود كه تعداد زياد و حتي اكثريت قاطع شهروندان اعتماد خود را به استقلال و توانايي نظام قضايي و همچنين توانايي دولت به انجام تعهدات اساسي خود از جمله پرداخت حقوق كاركنان و بازنشستگان و مراقبت بهداشتي، از دست مي دهند.⁶⁰

يكي از صاحب نظران به درستي و به نحو اختصار رابطه بين دموكراسي، اقتصاد و امنيت را اين گونه ترسيم مي كند: اولاً بدون دموكراسي، اقتصاد راكد مي ماند و پويايي خود را از دست مي دهد؛ ثانياً

60. Trafficking in Persons: The New Protocol, *op. cit.*

بدون اقتصادی پویا و رو به رشد، دموکراسی تهدید می‌شود؛ و ثالثاً بدون امنیت نه دموکراسی کارآمد تأمین می‌گردد و نه اقتصادی کارآمد تضمین می‌شود. لذا این سه عامل یکدیگر را باید تقویت کنند نه تضعیف.^{۶۱} جنایت سازمان‌یافته هر سه را مختل می‌کند.

هیچ شکل حکومتی وجود ندارد که مصون از پیدایش و توسعه جنایت سازمان‌یافته فراملی باشد و هیچ سیستم حقوقی وجود ندارد که به طور کامل بتواند رشد این جنایت را کنترل کند و هیچ سیستم اقتصادی وجود ندارد که مصون و ایمن در قبال وسوسه برخورداری بیشتر از منافع این جرم در مقایسه با فعالیت مشروع باشد.^{۶۲} بدین ترتیب، اگر جنایت سازمان‌یافته فراملی ریشه کن نشود، آثار زیانبار آن در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی منجر به فروپاشی مردم‌سالاری و شکوفایی اقتصاد رسمی خواهد شد.

در حقوق داخلی ما قوانین مناسبی که بتواند در پیشگیری و مبارزه با این جنایت مؤثر واقع شود، کمتر به چشم می‌خورد، چرا که بیشتر قوانین جوانب سنتی خود را حفظ کرده‌اند. لذا نیاز به تدوین قوانین مناسب و تقویت قدرت اطلاعاتی، امنیتی و اجرایی در این زمینه وجود دارد. توضیح آن که در برخی قوانین از جمله ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی سردستگی دو یا چند نفر، از علل مشدده کیفر تلقی شده؛ لیکن نفس گروهی بودن عمل مورد توجه قرار نگرفته است. در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نیز تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری برای ارتکاب جرایم ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری از عوامل تشدید مجازات تلقی شده است. لیکن اولاً این مورد فقط در خصوص جرایم خاص

61. Janusz Bugajski, *Democracy, Economy and Security*, www.csis.org/ee/research.

62. Shelley, *Crime...*, *op. cit.*

پیش‌بینی شده و ثانیاً هیچ‌گونه تمهید خاصی که برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته ضرورت دارد، پیش‌بینی نشده است. فراملی بودن این جنایات نیز عامل دیگری است که پاسخ مناسب به جنایات سازمان‌یافته فراملی را به همکاری‌های بین‌المللی گره می‌زند. نظر به این که در کنوانسیون پالرمو تمهیدات مفصلی برای هماهنگی و همکاری دولتها پیش‌بینی شده، لذا ضرورت دارد مفاد کنوانسیون پالرمو توسط کمیسیونی تخصصی مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه تصویب و اجرای آن و نیز زمینه تدوین و وضع قوانین همسو با آن فراهم گردد.